



دریافت: ۱۴۰۴-۰۴-۱۰
 بازنگری: ۱۴۰۴-۰۶-۱۵
 پذیرش: ۱۴۰۴-۰۶-۲۰
 انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۷-۱۵

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.532076.1478>



مقاله: پژوهشی

مینا شمخی*^۱

زهرة بابا احمدی میلانی^۲

عارف مسعودیان^۳

چکیده

تفسیر آیاتی از قرآن کریم که به ظاهر واجد ویژگی‌های جسمانی برای خداوند هستند، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث تفسیری بوده است. از جمله این آیات، آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ» (قلم: ۴۲) است که اصطلاح «ساق» در آن، محل تأمل و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی تطور معنایی این تعبیر در تفاسیر فریقین دوره‌های متقدم و معاصر می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که: معانی مطرح‌شده برای «ساق» در هر دوره کدام‌اند؟ چه عواملی در پیدایش برداشت‌های نوین در روزگار معاصر نقش داشته‌اند؟ و آیا این تحولات را می‌توان با روش آماری Mann-Kendall تبیین کرد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که در دوره متقدم، رویکردهای تثبیتی و معادمحور در تفسیر «ساق» غلبه داشته‌اند؛ در حالی که در دوره معاصر، با گسترش نیازهای فکری و اجتماعی، گرایش‌های تأویلی متنوع‌تری پدید آمده‌اند که معانی نوینی مانند «اصل و حقیقت»، «نور الهی» و «ساق انسان» را شامل می‌شود. به‌ویژه در تفاسیر شیعی، زمینه‌های کلامی، فلسفی و اجتماعی در شکل‌گیری این معانی نقش مؤثر داشته‌اند. همچنین، مفسران معاصر کوشیده‌اند با بهره‌گیری از روش‌های عقلی، علمی و موضوعی، مفاهیم وحیانی را با مسائل نوین بشر پیوند دهند. در بخش پایانی، برای سنجش روند تاریخی تغییرات معنایی، از آزمون Mann-Kendall بهره گرفته شد؛ نتایج آزمون نشان داد که در هیچ‌یک از دوره‌ها روند آماری معناداری وجود ندارد که ممکن است تحت تأثیر نوسانات گفتمانی، بازگشت به دیدگاه‌های سنتی و گستره منابع شکل گرفته باشد.

واژگان کلیدی: سیر تطور تاریخی، ساق الله، مفسران متقدم، مفسران معاصر، آزمون Mann-Kendall.

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۰۰-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.532076.1478>

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

m.shamkhi@scu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارش علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.



یکی از مباحث پیچیده و مناقشه‌برانگیز در تفسیر قرآن کریم، چگونگی درک و تبیین آیاتی است که صفاتی را به خداوند نسبت می‌دهند که در ظاهر با ویژگی‌های مادی و جسمانی انسان شباهت دارند. از جمله این تعبیرات، اصطلاح «ساق» است که در آیه‌ی «بُكشِفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم: ۴۲) به کار رفته و از دیرباز ذهن مفسران را به خود مشغول کرده است. ظاهر این آیه ممکن است موجب فهمی جسمانی از «ساق» گردد، اما اصل تنزیه الهی که در آیاتی چون «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱) بیان شده، مفسر را وادار می‌کند تا در معنا و تفسیر این واژه با احتیاط و دقت نظری بیشتری برخورد کند. این تنش میان ظاهر آیه و مبانی کلامی، زمینه‌ساز ارائه‌ی برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون و گاه متضاد در طول تاریخ تفسیر قرآن شده است.

اهمیت این پژوهش در چند سطح قابل بررسی است. نخست، از منظر تفسیر آیات متشابه در قرآن، بررسی واژه‌ای مانند «ساق» به‌عنوان نمونه‌ای از صفاتی که ظاهر آن ممکن است جسمانیت را القا کند، به ما کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از نحوه مواجهه مفسران با مفاهیم تنزیهی و تأویلی به دست آوریم. این موضوع، مستقیماً با مباحث بنیادی کلام اسلامی مانند توحید صفاتی و نفی تشبیه و تجسیم در ارتباط است. دوم، این تحقیق نقش مهمی در شناخت تحولات روش‌شناختی دانش تفسیر در بسترهای تاریخی و فکری گوناگون ایفا می‌کند. بررسی تفاوت‌های رویکردی میان دوره‌های متقدم و معاصر، امکان ارزیابی چگونگی تأثیرپذیری تفسیر قرآن از تحولات معرفتی، اجتماعی و علمی را فراهم می‌سازد.

علاوه بر این، با توجه به اینکه مسئله «ساق» یکی از مصادیق مهم تعارض میان ظاهر آیات و اصول اعتقادی مسلمانان است، تحلیل آن می‌تواند به روشن شدن مرزهای تفسیر تثبیتی و تأویلی کمک کرده و نقش‌گرایش‌های فکری، مذهبی و فلسفی را در تولید معنا نشان دهد. همچنین، توجه به تحولات معنایی این واژه در عصر حاضر و بررسی آن با ابزارهای آماری، نشان‌دهنده ترکیب روش‌های سنتی و نوین در علوم انسانی اسلامی و تلاش برای نوسازی روش تحقیق در تفسیر قرآن است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تطور معنایی واژه «ساق» در آیه ۴۲ سوره قلم در آثار تفسیری مفسران از دو دوره متقدم (قرون ۱ تا ۶ هجری) و معاصر (قرون ۱۴ و ۱۵ هجری) است. این هدف از چند زاویه دنبال می‌شود:

تحلیل و طبقه‌بندی معانی ارائه‌شده برای واژه «ساق» بر اساس گرایش‌های مختلف تفسیری همچون تثبیتی، تأویلی معادمحور، تأویلی باطنی و انسان‌محور؛

شناسایی عوامل زمینه‌ساز تحول معنایی در دوره معاصر مانند نفوذ اندیشه‌های جدید، تحولات اجتماعی، تأثیر استعمار، گسترش فلسفه‌های تطبیقی و علوم تجربی؛

ارائه الگویی روشمند برای تحلیل تاریخی و معنایی مفاهیم قرآنی با تکیه بر پیوند میان داده‌های کیفی تفسیری و ابزارهای کمی تحلیل روند.

بر این اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین معانی مطرح‌شده برای «ساق» در دوره‌های متقدم و معاصر کدام‌اند؟
۲. چه عواملی در شکل‌گیری معانی جدید در دوره معاصر مؤثر بوده‌اند؟
۳. آیا می‌توان روند تغییر معنای «ساق» را با روش آماری Mann-Kendall مدل‌سازی کرد؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد بررسی تطور تاریخی تفسیر آیه «يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» در آثار تفسیری است. در این راستا، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های مفسران شیعه و اهل سنت گردآوری، تحلیل و دسته‌بندی شده‌اند. همچنین برای نمایش روند تغییرات تفسیری، از نمودارها و جدول‌هایی استفاده شده تا تصویر روشن‌تری از سیر تحول معنا و تفسیر «ساق اللّه» ارائه شود. از آزمون ناپارامتری Mann-Kendall برای بررسی وجود یا عدم وجود روند آماری معنادار در تحول کمی معانی تفسیری در طول زمان بهره گرفته شد. شایان ذکر است که این آزمون صرفاً توانایی سنجش وجود روند را دارد و قادر به شناسایی علل یا عوامل ایجادکننده آن نیست. از این رو، برای تبیین عوامل مؤثر در تحول تفسیری - که ماهیتی کیفی دارد - باید به تحلیل تاریخی و محتوایی متون رجوع کرد.

پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی تفسیر آیات صفات الهی، آثار متعددی به نگارش درآمده‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص، به تحلیل و بررسی مفاهیم مرتبط با اوصاف خداوند در قرآن کریم پرداخته‌اند. این آثار گاه ناظر به تبیین مباحث کلامی همچون تنزیه و تجسیم بوده و گاه با رویکردی تفسیری یا عرفانی، درصدد ارائه فهمی از چگونگی نسبت دادن این صفات به خداوند برآمده‌اند. تعبیر «ساق» در آیه «يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» نیز گرچه به شکل محدودتری نسبت به تعابیر پرکاربردتری مانند «ید» یا «عین» مورد بحث قرار گرفته، اما در میان عالمان کلام، مفسران و محدثان، همواره موضوعی قابل توجه و بحث‌برانگیز بوده است.

در میان منابع سنتی، برخی آثار همچون «التوحید» از شیخ صدوق، «إبطال التأویلات لأخبار الصفات» اثر ابوعلی الفراء حنبلی، و «معجم أهل الإیمان فی تنزیه الله عن الجسمیة و کیفیة و المکان» نوشته جمیل محمد علی الأشعری، به‌طور کلی به صفات خبری پرداخته و در خلال آن اشاراتی نیز به آیه «ساق» و دیدگاه‌های مرتبط با آن داشته‌اند. همچنین در کتاب‌های تفسیری نیز تبیین‌هایی درباره معنای این تعبیر ارائه شده است، اما فاقد تحلیل تطوری و روندی از تغییر دیدگاه‌ها در طول تاریخ هستند.

در حوزه مقالات علمی، یک پژوهش به‌طور خاص به مفهوم «ساق» پرداخته است و برخی پژوهش‌ها به شکل غیرمستقیم به موضوع پرداخته‌اند. از جمله:

ابوذری کافی موسوی، «واکاوی تطبیقی عبارت -یوم یکشف عن ساق- و اعتبار سنجی روایات ذیل آن در منابع فریقین»؛ این پژوهش با رویکردی انتقادی، معنای واژه «ساق» را در آرای فریقین و روایات بررسی کرده و نشان می‌دهد که تعبیر «کنار رفتن پرده و آشکار شدن واقعیت‌ها» به‌عنوان معنایی استعاری، هم‌ساز با بافت آیات، مؤید به روایات معتبر و منطبق با کاربرد ادبی آن در شعر عرب است؛ از این رو، این تفسیر نسبت به دیگر معانی رجحان دارد.

کمیل شمس‌الدینی مطلق و دیگران، «تحلیل لوازم و پیامدهای دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری»؛ این پژوهش نشان می‌دهد که از قرون نخستین، تفسیر صفات خبری همواره موضوع مناقشه میان رویکردهای تشبیهی، تأویلی و تقویضی بوده است. سلفیان با تأکید بر اثبات بلا تاویل این صفات، آن‌ها را به معنای ظاهری به خدا نسبت داده‌اند؛ رویکردی که با آموزه‌های تدبر در قرآن و اعجاز زبانی آن ناسازگار قلمداد شده است.

قباد محمدی شیخی و طیبه فریدونپور، «بررسی میزان کارآمدی مبانی حکمت متعالیه در تبیین صفات خبری مربوط به مبداء»؛ این پژوهش بیان می‌کند که فیلسوفان حکمت متعالیه انتساب صفات عقلی به خداوند را ضروری می‌دانند، اما در مورد صفات خبری با تردید و تکلف روبه‌رو شده‌اند. بر پایه یافته‌های این پژوهش، می‌توان با تعمیم مبانی حکمت متعالیه صفات خبری را نیز همانند صفات عقلی به خدا نسبت داد و هم به معنای ظاهری و هم به وضعیت مشکک آن‌ها توجه کرد.

با وجود این تلاش‌ها، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع که با رویکرد تاریخی به بررسی سیر تحول تفسیر تعبیر «ساق الله» پردازد و بتواند گرایش‌های تفسیری را در طول زمان دسته‌بندی، تحلیل و مقایسه کند، صورت نگرفته است. همچنین بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی مانند نمودار، جدول و طبقه‌بندی‌های روشمند، در اغلب پژوهش‌های پیشین یا مورد توجه قرار نگرفته یا بسیار محدود بوده است. از این رو، تحقیق حاضر می‌کوشد با رویکردی نوین، خلأ موجود در این زمینه را پر کرده و تصویری روشن‌تر از تطور معنایی این تعبیر در تاریخ تفسیر اسلامی ارائه دهد.

مبانی نظری

۱. واژه‌شناسی «ساق»

واژه «ساق» از الفاظ پرکاربرد و چندلایه در زبان عربی است که هم در معانی جسمانی و هم در مفاهیم استعاری و مجازی به کار رفته است. مهم‌ترین معانی آن عبارت‌اند از:

- «ساق پا» (ازهری، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۹۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۶؛ مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛
- «تته درخت» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۶۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۹۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۷؛ مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛
- «شدت و سختی امر» (ازهری، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۶۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۹۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۶؛ مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛
- ضلع هندسی (مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛
- کاربردهای خاص و ضرب‌المثلی: برخی از معانی خاص «ساق»، مانند: (۱) آماده شدن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۶۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۷؛ مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛ (۲) نظم و هماهنگی (مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛ (۳) پی‌درپی (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲۷؛ مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶۴).

بنابراین، «ساق» واژه‌ای چندلایه است که از معنای اصلی -ساق پا- به حوزه‌های مجازی و کنایی راه یافته است. این گستره معنایی وسیع، زمینه لغوی لازم برای درک اختلاف نظر مفسران در تفسیر آیه «يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» فراهم می‌آورد. برای نمونه، مفسری که بر معنای «شدت و امر عظیم» تأکید دارد، از کاربرد مجازی این واژه بهره می‌گیرد، در حالی که مفسری که به معنای ظاهری تمایل دارد، به معنای اصلی «ساق پا» تمسک جسته است.

۲. تفسیر «ساق الله» در میان مفسران متقدم

در این بخش به بررسی روند تحول معنایی و تفسیری تعبیر «ساق الله» در تفاسیر قرآن از قرن نخست تا ششم هجری پرداخته می‌شود. برای تحلیل دقیق‌تر سیر تحول تفسیر «ساق الله» در دوره متقدم، دیدگاه‌های مفسران در چهار طبقه‌ی اصلی دسته‌بندی شده است:

(۱) تفسیر تشبیتی؛ (۲) تفسیر تأویلی معادمحور؛ (۳) تفسیر تأویلی باطنی؛ (۴) تفسیر تأویلی انسان‌محور.

لازم به توضیح است که عبارت «ساق الله» به صراحت در قرآن نیامده و عبارت دقیق آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی قلم «يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» است و تعبیر «ساق الله» در احادیث و تفاسیر به‌عنوان توضیحی برای این آیه به کار رفته است.

۱-۲. تفسیر تشبیتی

رویکرد تشبیتی یا ظاهرگرایی در تفسیر، به این معناست که مفسر، معنای ظاهری یک تعبیر را بدون تأویل یا تغییر، همان‌گونه که آمده، تثبیت و تفسیر می‌کند. این رویکرد که بیشتر بر پذیرش نص بدون تأویل تکیه دارد، خود به سه گرایش تقسیم می‌شود (شمخی، ۱۳۹۱، صص ۹۷-۱۰۰):

۱) ظاهرگرایی تشبیهی: پیروان این گرایش، معانی ظاهری آیات را می‌پذیرند، حتی اگر مستلزم همانندسازی خداوند با مخلوقات باشد. در این نگاه، صفات الهی به گونه‌ای تفسیر می‌شوند که شبیه صفات انسان‌ها و موجودات دیگرند. نمونه بارز این دیدگاه را می‌توان در میان اهل حدیث، فرقه ظاهریه، محمد بن کرام و پیروان او مشاهده کرد (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۷؛ سبحانی، بی تا، ص ۱۹۴).

۲) ظاهرگرایی تفویضی: این گروه نیز معانی ظاهری را می‌پذیرند و از تأویل آن‌ها پرهیز می‌کنند، اما برای دوری از تشبیه، اضافه می‌کنند که کیفیت این صفات برای انسان‌ها ناشناخته و غیرقابل درک است. آن‌ها معتقدند باید بدون جست‌وجوی چگونگی (بلاکیف) این صفات را به خداوند نسبت داد. از جمله پیروان این دیدگاه، بیشتر اهل حدیث، برخی از حنابله و متأخران اشعری هستند (دمیجی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۷۷).

۳) ظاهرگرایی سلفی: پیروان این گرایش، آیات صفات را همان‌گونه که وارد شده‌اند، می‌پذیرند و از هرگونه تأویل یا تفسیر عقل‌گرایانه پرهیز می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که معنای واقعی این صفات را تنها خدا می‌داند و تفسیر آن‌ها را به خداوند واگذار می‌کنند. این رویکرد در میان اندیشمندان مکتب سلف به‌ویژه در دوران معاصر شایع است (سقف، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۰؛ ابوذرقلمونی، ۱۴۳۰ق، ص ۴۲).

در دوره متقدم، از میان تفاسیر مورد بررسی، تنها شمار اندکی از مفسران - پنج نفر - به معنای ظاهری تعبیر «ساق الله» تصریح کرده‌اند (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۵؛ ابن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۷۶۴۶؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۱۲). این مفسران بدون ورود به عرصه تأویل، ظاهر آیات را مبنای فهم خود قرار داده و این تعبیر را تثبیت کرده‌اند. با این حال، پرسش اساسی آن است که هر یک از این تفاسیر در کدام یک از اقسام ظاهرگرایی - تشبیهی، تفویضی یا سلفی - قرار می‌گیرند؟

بیشتر این تفاسیر تنها به ذکر واژه «ساق» اکتفا کرده‌اند، بدون آن‌که توضیح روشنی درباره مقصود خود از این تعبیر ارائه دهند. با این حال، ابن جوزی در تفسیر این آیه تصریح می‌کند که مراد از آن، «صفتی است که باید بدون چون و چرا به آن ایمان آورد» (ابن جوزی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۱۲)؛ عبارتی که دلالت بر اتخاذ رویکرد ظاهرگرایانه تنزیهی از سوی وی دارد.

ریشه اصلی این برداشت تفسیری را می‌توان در روایاتی دانست که از عبدالله بن مسعود نقل شده‌اند. وی در نقل خود چنین می‌گوید:

«يَكْشِفُ عَن سَاقٍ فَيَسْجُدُ لَهُ كُلُّ مُؤْمِنٍ...» (صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۸).

در روایتی دیگر از او آمده است:

«...فَيَجِيءُ إِلَيْهِمْ فِي صُورَةٍ ... فَيَكْشِفُ عَمَّا شَاءَ أَنْ يَكْشِفَ، قَالَ: فَيَخْرُونَ سُجَّدًا إِلَّا الْمُتَأَفِّقِينَ...» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۵).

و نیز در نقل دیگری می‌گوید:

«يَمَثِّلُ اللَّهُ لِلْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يَمُرَّ الْمُسْلِمُونَ... فَعِنْدَ ذَلِكَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ، فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا خَرَّ لِلَّهِ سَاجِدًا...»

(ابن حموش، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲، ص ۷۶۴۶).

این مضامین تنها در روایات ابن مسعود منحصر نیست، بلکه در منابع حدیثی معتبر اهل سنت همچون صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز روایت‌هایی با همین مضمون از ابی سعید خدری نقل شده است. بر اساس این روایات، در روز قیامت خداوند متعال به صورتی خاص تجلی می‌یابد و مؤمنان حقیقی او را می‌شناسند و برای او سجده می‌کنند، در حالی که منافقان و اهل ریا از چنین توفیقی محروم می‌مانند. در بخشی از روایت صحیح مسلم آمده است:

«... فَيَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ، فَلَا يَبْقَى مَنْ كَانَ يَسْجُدُ لِلَّهِ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِهِ إِلَّا أَدَانَ اللَّهُ لَهُ بِالسُّجُودِ...» (نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۷).

همچنین در روایت صحیح بخاری نیز آمده است:

«يَكْشِفُ رَبُّنَا عَنْ سَاقِهِ، فَيَسْجُدُ لَهُ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ، فَيَبْقَى مَنْ كَانَ يَسْجُدُ فِي الدُّنْيَا رِيَاءً وَسَمْعَةً...» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۵۹).

در بررسی تفاسیر مفسران متقدم درباره «ساق»، رویکرد تشبیتی در تفاسیر با گرایش‌های روایی (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۸؛

طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۵)، ادبی (ابن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۷۶۴۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵، ص ۴۱۲) و عرفانی (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۸۴) بروز یافته است.

۲-۴. تفسیر تأویلی معادمحور

تفسیر تأویلی معادمحور، یکی از رویکردهای رایج در مواجهه با آیات متشابه قرآن کریم است که در آن مفسر با فاصله گرفتن از ظاهر الفاظ، معنای آیه را به مفاهیم مربوط به معاد و رخدادهای اخروی پیوند می‌زند. در این شیوه، واژه‌ها و تعبیر نه به مثابه عناصر محسوس و مادی، بلکه به عنوان نمادهایی از وقایع، حالات و حقیقت‌هایی فهم می‌شوند که در قیامت ظهور می‌یابند. این رویکرد از باور به غیب و جهان پس از مرگ تغذیه می‌کند و با تکیه بر مبانی کلامی و اسخاتولوژیک، آیات را در چارچوب فرجام‌شناسی و روز جزا تفسیر می‌کند.

در تفسیر آیه «يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم: ۴۲) نیز برخی مفسران، به‌ویژه با گرایش تأویلی و کلامی، واژه «ساق» را در این چارچوب تفسیر کرده‌اند. بر این اساس، «ساق» اشاره به جلوه‌ای از یک حقیقت عظیم و هولناک در قیامت دارد؛ برخی آن را ناظر به «شدت و امر عظیم» دانسته‌اند که ناظر به سختی و آزمون‌های سنگین روز جزاست (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۰۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۳۶۶؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۵۳؛ شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۳۴۱؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۸۷)؛ برای نمونه، زمخشری در تفسیر خود ذیل آیه می‌نویسد: «یوم یشتد الأمر و یتفاقم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۹۴).

برخی دیگر، از جمله ابن عطیه، در تفسیر این آیه می‌آورد: «هی اول ساعة من یوم القیامة» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۳۵۲)؛ آن را به معنای «ظهور قیامت و اقبال آخرت» گرفته‌اند، به این معنا که حقیقت پنهان آخرت در آن لحظه بر انسان آشکار می‌گردد و مرحله‌ای از جدایی حق از باطل رقم می‌خورد (هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۶۱؛ ماوردی، بی تا، ج ۶، ص ۷۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۶۳).

در میان مفسران متقدم، رویکرد تأویلی معادمحور، در قالب طیف متنوعی از گرایش‌های تفسیری نمود یافته است. این رویکرد در آثار مفسران ادبی (ابن عباس، ۱۴۱۳، ص ۱۴۷؛ فراء، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۱۷۷؛ یزیدی، ۱۴۰۵، ص ۳۸۴؛ شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۳۴۱)، کلامی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۰۸؛ هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۶۱؛ ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۵۳؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۳۹) و حتی روایی (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۲۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۳۶۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۸۵) قابل مشاهده است.

۳-۴. تفسیر تأویلی باطنی

تفسیر تأویلی باطنی رویکردی است که در آن مفسر از معنای ظاهری الفاظ عبور کرده و به معانی رمزی، باطنی و نهفته‌ای نظر می‌افکند که فقط اهل معرفت و تأویل به آن دست می‌یابند. این رویکرد غالباً در میان جریان‌های عرفانی و باطنی‌گرایانه رواج دارد. در زمینه آیه «يُكشِفُ عَن سَاقٍ»، برخی مفسران با گرایش عرفانی، تفسیر خود را بر پایه مفاهیمی نظیر «ساق عرش» استوار کرده‌اند (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۶۲۱). در این برداشت، «ساق» نه یک عضو یا نشانه ظاهری، بلکه نمادی از پایه و اساس عرش الهی دانسته شده است که اشاره به ظهور جلوه‌ای از حقیقت ربوبی یا تجلی امر الهی در عالم دارد.

۴-۴. تفسیر تأویلی انسان‌محور

تفسیر تأویلی انسان‌محور، رویکردی است که در آن مفاهیم و تعبیر قرآنی به گونه‌ای تأویل می‌شوند که بر انسان، مقام و نقش او در نظام آفرینش تمرکز دارند. در این نوع تفسیر، واژه‌ها و آیات متشابه نه صرفاً به مفاهیم باطنی و معنوی، بلکه به انسان کامل، امام، یا خلیفه‌ی الهی در زمین ارجاع داده می‌شوند. این نگرش، به‌ویژه در تفاسیر شیعه و با گرایش روایی، جایگاهی ویژه دارد و اغلب در پی کشف رابطه‌ی میان آیات قرآن و مقام ولایت و امامت است.

در دوره‌ی متقدم، گرچه موارد کمی از این نوع تأویل دیده می‌شود، اما نمونه‌ای از تفسیر روایی وجود دارد که «ساق» را اشاره به «خلافت امام علی (ع)» دانسته است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۸۳). این تأویل، با ارجاع به جایگاه امام علی به‌عنوان مظهر حقیقت الهی و مجرای تحقق امر خداوند در زمین، درصدد تبیین آن است که مقصود از کشف ساق در قیامت، ظهور ولایت و اثبات خلافت الهی امام علی (ع) است، که در روز قیامت آشکار می‌گردد و تمییز مؤمنان از منافقان را ممکن می‌سازد.

۶. بررسی و تحلیل آماری دوره متقدمین

هدف از ارائه جدول‌های فراوانی و نمودار روند تغییرات تفسیری، نمایش تحول و تطور تفاسیر «ساق» در آیه مورد بررسی در طول دوره‌های مختلف تفسیری است. این تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که چگونه برداشت‌ها و تفسیرهای مفسران نسبت به این مفهوم در گذر زمان دچار تغییر شده و چه عواملی، از جمله گرایش‌های مذهبی، کلامی و تاریخی، بر این تغییرات تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین، نمودار امکان مقایسه میان تفاسیر رایج در هر دوره را فراهم می‌کند و روند پذیرش یا کاهش گرایش به برخی تفاسیر را برجسته می‌سازد. شایان ذکر است که این تحلیل‌ها و داده‌ها براساس بررسی و تحلیل ۳۰ تفسیر اهل سنت و ۹ تفسیر شیعه دوره متقدم، انجام شده است. فهرست کامل این تفاسیر در ادامه ارائه می‌گردد. بر این اساس، تصویری جامع و مستند از سیر تحول تفسیری واژه «ساق» در میراث تفسیری ترسیم می‌شود.

کتاب	پدیدآور	سال	مذهب	تفسیر
غریب القرآن فی شعر العرب	ابن عباس، عبدالله بن عباس	۶۸	شیعه	شدت و امرعظیم
تفسیر غریب القرآن	زید بن علی بن الحسین (ع)	۱۲۲	شیعه	شدت و امرعظیم
تفسیر مقاتل بن سلیمان	مقاتل بن سلیمان	۱۵۰	شیعه	شدت و امرعظیم
معانی القرآن	فراء، یحیی بن زیاد	۲۰۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم
مجاز القرآن	ابوعبیده، معمر بن مثنی	۲۰۹	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر القرآن العزیز	صنعانی، عبدالرزاق بن همام	۲۱۱	اهل سنت	شدت و امرعظیم، ساق
غریب القرآن و تفسیره	یزیدی، عبدالله بن یحیی	۲۳۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تأویل مشکل القرآن	ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم	۲۷۶	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر کتاب الله العزیز	هواری، هود بن محکم	۲۸۰	اهل سنت	شدت و امرعظیم، اقبال آخرت
تفسیر القمی	قمی، علی بن ابراهیم	۳۰۷	شیعه	شدت و امرعظیم، خلافت امام علی (ع)
الواضح فی تفسیر القرآن الکریم	دینوری، عبدالله بن محمد	۳۰۸	اهل سنت	شدت و امرعظیم
جامع البیان فی تفسیر القرآن	طبری، محمد بن جریر	۳۱۰	اهل سنت	شدت و امرعظیم، ساق
تفسیر القرآن العظیم	ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد	۳۲۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تأویلات اهل السنة	ماتریدی، محمد بن محمد	۳۳۳	اهل سنت	شدت و امرعظیم
التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم	طبرانی، سلیمان بن احمد	۳۶۰	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر السمرقندی	سمرقندی، نصر بن محمد	۳۷۳	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر ابن ابی زمنین	ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله	۳۹۹	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تلخیص البیان فی مجازات القرآن	شریف الرضی، محمد بن حسین	۴۰۶	شیعه	شدت و امرعظیم
حقائق التفسیر	سلمی، محمد بن حسین	۴۱۲	اهل سنت	شدت و امرعظیم
الکشف و البیان	ثعلبی، احمد بن محمد	۴۲۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم
الهدایة إلى بلوغ النهاية	مکی بن حموش	۴۳۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم، ساق
النکت و العیون تفسیر الماوردی	ماوردی، علی بن محمد	۴۵۰	اهل سنت	شدت و امرعظیم، اقبال آخرت
التبیان فی تفسیر القرآن	طوسی، محمد بن حسن	۴۶۰	شیعه	شدت و امرعظیم
لطائف الاشارات	قشیری، عبدالکریم بن هوازن	۴۶۵	اهل سنت	شدت و امرعظیم، ساق عرش
الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز	واحدی، علی بن احمد	۴۶۸	اهل سنت	شدت و امرعظیم
درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم	جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن	۴۷۱	اهل سنت	شدت و امرعظیم
الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز	دامغانی، حسین بن محمد	۴۷۸	اهل سنت	شدت و امرعظیم
مفردات ألفاظ القرآن	راغب اصفهانی، حسین بن محمد	۵۰۲	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر بغوی	بغوی، حسین بن مسعود	۵۱۶	اهل سنت	شدت و امرعظیم
کشف الاسرار و عدة الابرار	میبدی، ابوالفضل رشیدالدین	۵۲۰	اهل سنت	ساق
إيجاز البیان عن معانی القرآن	نیشابوری، محمود بن ابوالحسن	۵۲۱	اهل سنت	شدت و امرعظیم
تفسیر نسفی	نسفی، عمر بن محمد	۵۳۷	اهل سنت	شدت و امرعظیم
الکشاف	زمخشری، محمود بن عمر	۵۳۸	اهل سنت	شدت و امرعظیم
المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز	ابن عطیه، عبدالحق بن غالب	۵۴۱	اهل سنت	اقبال آخرت
مجمع البیان فی تفسیر القرآن	طبرسی، فضل بن حسن	۵۴۸	شیعه	شدت و امرعظیم
روض الجنان و روح الجنان	ابوالفتوح رازی، حسین بن علی	۵۵۲	شیعه	شدت و امرعظیم، اقبال آخرت
متشابه القرآن و مختلفه	ابن شهر آشوب، محمد بن علی	۵۸۸	شیعه	شدت و امرعظیم
تذکره الأرب فی تفسیر الغریب	ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی	۵۹۲	اهل سنت	شدت و امرعظیم، ساق
نفس الصباح فی غریب القرآن	خزرجی، احمد بن عبدالصمد	۵۹۲	اهل سنت	شدت و امرعظیم

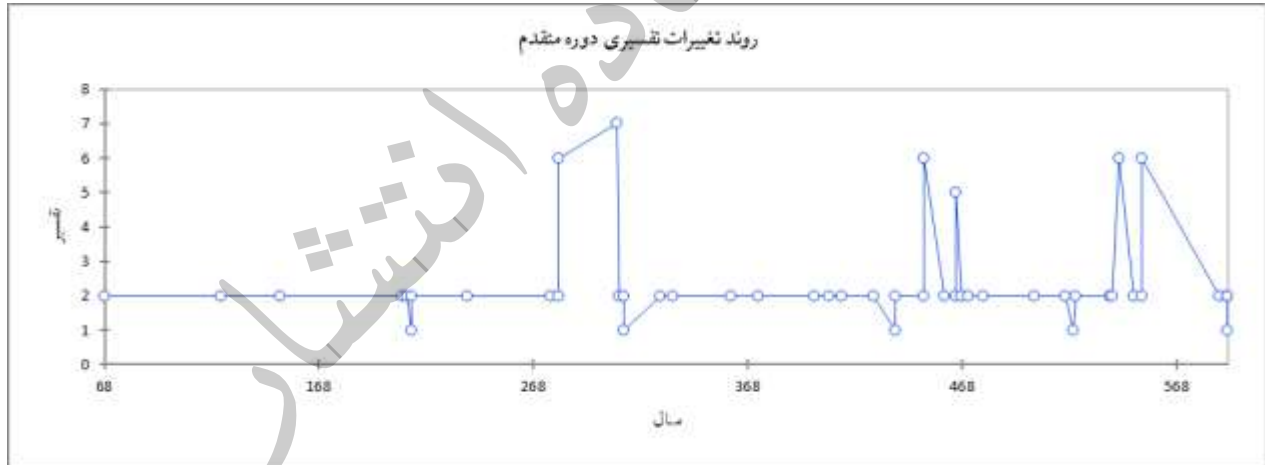
جدول (۱) فراوانی آرای مفسران

قلم ۴۲	آیات	
	آرا	ساق
۵	ساق	
۳۷	شدت و امر عظیم	
۰	اصل و حقیقت	
۰	نور الهی	
۱	ساق العرش	
۴	اقبال آخرت	
۱	خلافت امام علی (ع)	
۰	شهادت ساق انسان	

جدول (۲) فراوانی آرا بر حسب مذهب

قلم ۴۲	آیه	
	مذهب	آرا
اهل سنت	شیعه	
	ساق	۵
شیعه	شدت و امر عظیم	۲۹
	اصل و حقیقت	۰
ساق العرش	نور الهی	۰
	ساق العرش	۱
اقبال آخرت	اقبال آخرت	۳
	خلافت امام علی (ع)	۰
شهادت ساق انسان	شهادت ساق انسان	۰

نمودار (۱) روند تغییرات تفسیری بر حسب سال وفات مفسران دوره متقدمین



کد گذاری آرا

- ساق = ۱ شدت و امر عظیم = ۲ اصل و حقیقت = ۳ نور الهی = ۴ ساق العرش = ۵ اقبال و آمدن آخرت = ۶
 خلافت امام علی (ع) = ۷ شهادت ساق انسان = ۸

تحلیل داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که در دوره متقدم، تفسیر واژه‌ی «ساق» عمدتاً با رویکردی تأویلی و عقل‌گرایانه همراه بوده و بیشترین فراوانی مربوط به تعبیر «شدت و امر عظیم» است (۳۷ مورد). این حجم بالا گویای آن است که بیشتر مفسران متقدم، با عبور از

معنای ظاهری، مفهوم «ساق» را به نشانه‌ای از عظمت، شدت یا اضطراب در روز قیامت تعبیر کرده‌اند. در مقابل، تعداد اندکی از مفسران (۵ مورد) به معنای ظاهری و تثبیتی «ساق» پایبند بوده‌اند که نشان از اقلیت بودن رویکرد ظاهرگرایانه در آن دوره دارد.

جدول (۲) که آرای تفسیری را بر حسب مذهب تفکیک می‌کند، تفاوت معناداری میان اهل سنت و شیعه نشان می‌دهد. اهل سنت گرایش بیشتری به معنای تثبیتی یا تفاسیر تأویلی مانند «شدت و امر عظیم» دارند (۲۹ مورد)، در حالی که مفسران شیعه با آنکه کمتر حضور دارند، تأکید خاصی بر همان تفسیر «شدت و امر عظیم» (۸ مورد) و نیز «اقبال آخرت» و «خلافت امام علی (ع)» داشته‌اند. نکته مهم آن است که تنها یک مورد تفسیر خاص به موضوع خلافت امام علی (ع) مربوط می‌شود که مختص مفسر شیعی است و نشان‌دهنده حضور محدود اما تأثیرگذار نگاه ولایت‌محوری در میان تفاسیر شیعی دوره متقدم است. نمودار (۱) نیز به وضوح نشان می‌دهد که در دوره متقدم، تنوعی در تفسیر معنای «ساق» مشاهده نمی‌شود و تمرکز اصلی مفسران بر مفهوم «شدت و امر عظیم» و معنای حقیقی «ساق» قرار دارد.

بررسی دو جدول به‌طور هم‌زمان نشان می‌دهد که اگرچه در هر دو مذهب، تفسیرهای تأویلی همچون «شدت و امر عظیم» بر سایر معانی غلبه دارد، اما در رویکرد شیعه، نشانه‌هایی از تأکید بر مفاهیم اختصاصی‌تر مانند امامت و خلافت نیز دیده می‌شود. همچنین هیچ‌کدام از مذاهب در این دوره سراغ تفاسیری چون «نور الهی»، «اصل و حقیقت» یا «شهادت ساق انسان» نرفته‌اند که نشان می‌دهد این‌گونه تفسیرهای نو بیشتر در دوره‌های متأخر و معاصر شکل گرفته‌اند. در نتیجه، تفاسیر دوره متقدم را می‌توان تا حد زیادی سنتی، اما با گرایش به عقل‌گرایی و تأویل‌های کلامی دانست.

۷. تفسیر «ساق الله» در میان مفسران معاصر

منظور از تفاسیر معاصر، پرداختن به آرای مفسرانی است که در قرون چهاردهم و پانزدهم هجری قمری به نگارش آثار تفسیری پرداخته‌اند. ویژگی برجسته این دوره، تأثیرپذیری از تحولات علوم انسانی، گسترش رویکردهای نوین تفسیری و توجه روزافزون به ابعاد کلامی، فلسفی و عرفانی مفاهیم قرآنی است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). مطالعه تفاسیر این دوره، امکان تحلیل تطبیقی با دیدگاه‌های مفسران دوره‌های پیشین را فراهم ساخته و زمینه را برای بررسی تحولات معنایی واژه «ساق» در گذر زمان فراهم می‌آورد. بر اساس تقسیم‌بندی رویکردی، تفاسیر معاصر درباره تعبیر «ساق» را نیز به چهار رویکرد، دسته‌بندی می‌شوند:

۷-۱. تفسیر تثبیتی

رویکرد تثبیتی در دوره معاصر، مانند دوره متقدم نسبت به رویکرد تأویلی محدود است، و تنها چهار مفسر آن هم با بهره‌گیری تلفیقی از گرایش‌های تفسیری روایی (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۷۶)، اجتهادی (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۹، ص ۶۹) و تربیتی (میدانی، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۲۵۵) به تفسیر آیه پرداخته‌اند. در این دیدگاه، مفسران «ساق» را به معنای حقیقی و ظاهری آن تفسیر کرده‌اند؛ یعنی آن را به‌عنوان امری عینی از سوی خداوند تلقی کرده‌اند، بی‌آنکه در آن تأویلی صورت گیرد.

مفسران دوره متقدم غالباً برای اثبات معنای ظاهری به روایات ابن مسعود استناد می‌کردند، اما در این دوره استناد بیشتر بر روایات منقول از ابوسعید خدری صورت گرفته است (میدانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۵۵؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۹، ص ۶۹). این تغییر منبع روایی، نشان از تحول مرجعیت حدیثی در برخی محافل تفسیر معاصر دارد.

با این حال، درباره نوع تفسیر تثبیتی؛ یعنی اینکه آیا این تفسیر رویکرد تشبیهی (قیاس ویژگی‌های الهی با ویژگی‌های مخلوقات)، تزیه‌ی (پذیرش ظاهر بدون مشابهت با خلق)، یا سلفی (تسلیم و توقف در برابر ظاهر آیه) دارد؛ صرفاً به بیان ظاهر آیه و نقل روایات بسنده کرده و از توضیح تفصیلی در باب مبانی کلامی یا فلسفی این رویکرد پرهیز کرده‌اند.

۷-۲. تفسیر تأویلی معادمحور

در دوره‌ی معاصر، این رویکرد بیش از گذشته گسترش یافته و می‌توان گفت که غالب مفسران با گرایش‌های مختلف به نوعی در دایره‌ی این تفسیر قرار می‌گیرند. برخلاف دوره‌ی متقدم که تنوع در تأویلات معادمحور مشاهده می‌شد - تأویل به «شدت و امر عظیم» و «اقبال و آمدن آخرت» - در دوره‌ی معاصر تمرکز اصلی مفسران بر تفسیر «شدت و امر عظیم» است. در این تفسیر، «ساق» به معنای آشکار شدن شدت‌های بی‌سابقه و امور سهمگین و هولناک در قیامت دانسته می‌شود که از درک عادی انسان فراتر رفته و تنها در آن روز عظیم برای بشر آشکار می‌گردد (نووی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۵۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۹۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۹۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۸۵؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱۵، ص ۵۵؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۱۶). ریشه اصلی تفسیر «ساق» به «شدت و امر عظیم»، کاربرد کنایی عرب از تعبیر «کشف عن ساق» است که به معنای شدت، هول و سختی کار، به کار می‌رود. اصل این تعبیر از آنجا ناشی می‌شود که انسان هنگام هراس یا شتاب‌زدگی، برای سرعت گرفتن در حرکت، لباس خود را بالا می‌زند و ساق پای او آشکار می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۹۱).

از لحاظ تأثیر گرایش‌های تفسیری در دوره معاصر، علاوه بر استمرار در گرایش‌های روایی (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۷۶؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۴)، کلامی (حائری طهرانی، ۱۳۳۸، ج ۱۱، ص ۲۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۹۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۸۵؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۱۴۷؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۱۶) و ادبی (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۵۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۳۰)، با حضور پررنگ‌تر گرایش اجتماعی (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۰۳؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۳۳۹؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷۲۸؛ صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۰۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۲۹۵) همراه شده است.

۷-۳. تفسیر تأویلی باطنی

در دوره‌ی معاصر، در تفسیر باطنی شاهد گسترش معانی و تنوع برداشت‌ها نسبت به دوره‌ی متقدم هستیم. افزون بر برداشت متقدم از «ساق» به عنوان «ساق عرش» که به بنیاد هستی و ساختار عرش الهی اشاره دارد (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۷۶؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۳۱۷)، در این دوره معانی جدیدی مطرح شده است. یکی از آن‌ها تفسیر «ساق» به «اصل و حقیقت امر» است؛ بدین معنا که در قیامت، اسرار، نیت‌ها و باطن اعمال انسان‌ها آشکار می‌گردد و حقیقت پنهان امور بر ملا می‌شود (شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۱۳). ریشه‌ی برداشت مفسرانی که «ساق» را به «ساق عرش» یا «اصل و حقیقت امر» تفسیر کرده‌اند، به معنای لغوی این واژه، یعنی «ساق الشجره»، بازمی‌گردد (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۱۳).

همچنین در برخی تفاسیر، «ساق» به «نور الهی» تأویل شده که اشاره به تجلی نور خداوند دارد؛ نوری که همه‌ی مخلوقات در برابر آن خاضع و ساجد می‌شوند. مبنا‌ی این تفسیر روایتی از امام موسی کاظم (ع) است. آن حضرت در توضیح آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَعْطِفُونَ» (قلم: ۴۲) می‌فرماید:

«حِجَابٌ مِنْ نُورٍ يُكْشَفُ فَيَعْلَمُ الْمُؤْمِنُونَ سُبْحَانَ، وَ تَدْمُجُ أَصْلَابُ الْمُتَأَفِّقِينَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ السُّجُودَ» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۱۴).

در تفسیر تأویلی باطنی، مفهوم «اصل و حقیقت امر» حضور چشمگیری در گرایش اجتماعی دارد (رضا، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۵۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۲۴۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۱۹۴). همچنین مفاهیمی مانند «نور الهی» و «ساق عرش» نیز در گرایش‌های تفسیری مختلفی مطرح شده‌اند که در میان آن‌ها، گرایش روایی برجسته‌تر است (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۷۶؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۲۴).

۴-۷. تفسیر تأویلی انسان‌محور

در دوره‌ی متقدم، تنها نمونه‌ی محدودی از این رویکرد وجود داشت. اما در دوره‌ی معاصر، این نوع تفسیر گسترش یافته و تأویل‌هایی متنوع‌تری ارائه شده است. افزون بر اشاره به «خلافت امام علی (ع)» در تفسیری با گرایش روایی که به قول علی بن ابراهیم قمی استناد کرده است (زبیدی، ۱۴۲۸، ج ۸، ص ۱۸۲)، برخی تفاسیر کلامی، واژه‌ی «ساق» را به جنبه‌هایی از وجود انسان پیوند زده‌اند؛ از جمله تفسیر آن به «شهادت ساق انسان»، که بیانگر آشکار شدن اعضا و جوارح به‌عنوان گواهان اعمال و باطن انسان است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۱۴۷). در این برداشت، «کشف ساق» نه تنها کشف حقیقت، بلکه پرده‌برداری از باطن انسان و ظهور حقیقت وجودی او در برابر خداوند معنا می‌یابد. مبنای مفسر در طرح این دیدگاه، آیات «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور: ۲۴) و «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤَاهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فصلت: ۲۰) است که به گواهی دادن اعضای بدن اشاره دارند. این تأویل‌ها نشان می‌دهد که نگاه انسان‌محور در تفسیر آیات متشابه، در دوره‌ی معاصر عمق و تنوع بیشتری یافته و به‌ویژه در فضای معنوی و کلامی شیعه، جایگاهی پررنگ‌تر پیدا کرده است.

۹. بررسی و تحلیل آماری دوره معاصر

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، هدف از ارائه جدول‌های فراوانی و نمودار روند تغییرات تفسیری در دوره معاصر، ترسیم جهت‌گیری‌های نوین مفسران در تبیین مفهوم «ساق» و نشان دادن تمرکز و انسجام بیشتر در برداشت‌های تفسیری است. داده‌های مربوط به این دوره بر اساس بررسی و تحلیل ۱۹ تفسیر اهل سنت و ۲۷ تفسیر شیعه گردآوری و تحلیل شده است.

کتاب	پدیدآور	سال	مذهب	تفسیر
فتح البیان فی مقاصد القرآن	صدیق حسن خان، محمد صدیق	۱۳۰۷	اهل سنت	شدت و امر عظیم، ساق عرش، ساق
مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید	نووی، محمد	۱۳۱۶	اهل سنت	شدت و امر عظیم
بیان السعادة فی مقامات العبادة	سلطان علی شاه، سلطان محمد	۱۳۲۷	شیعه	شدت و امر عظیم
محاسن التأویل	قاسمی، جمال‌الدین	۱۳۳۲	اهل سنت	شدت و امر عظیم
مقتنیات الدرر	حائری طهرانی، علی	۱۳۴۰	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر المنار	رضا، محمد رشید	۱۳۵۴	اهل سنت	شدت و امر عظیم، اصل و حقیقت
نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن	نهادندی، محمد	۱۳۷۱	شیعه	شدت و امر عظیم، ساق عرش
الجدول فی إعراب القرآن و صرفه	صافی، محمود	۱۳۷۶	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر اثنی عشری	شاه‌عبدالعظیمی، حسین	۱۳۸۴	شیعه	شدت و امر عظیم، اصل و حقیقت، نور الهی
تفسیر خسروی	خسروانی، علیرضا	۱۳۸۶	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر عاملی	عاملی، ابراهیم	۱۳۸۸	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر جامع	بروجردی، محمد ابراهیم	۱۳۸۸	شیعه	شدت و امر عظیم، نور الهی

کتاب	پدیدآور	سال	مذهب	تفسیر
التفسیر الواضح	حجازی، محمد محمود	۱۳۹۲	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر التحرير و التنوير	ابن عاشور، محمد طاهر	۱۳۹۳	اهل سنت	شدت و امر عظیم
بيان المعاني	آل غازی، عبدالقادر	۱۳۹۸	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر الکاشف	مغنیه، محمد جواد	۱۴۰۰	شیعه	شدت و امر عظیم
موسوعة اخلاق القرآن	شرباصی، احمد	۱۴۰۰	اهل سنت	شدت و امر عظیم
الميزان في تفسير القرآن	طباطبایی، محمد حسین	۱۴۰۱	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن	امین، نصرت بیگم	۱۴۰۳	شیعه	شدت و امر عظیم
التفسیر القرآنی للقرآن	خطیب، عبدالکریم	۱۴۰۵	اهل سنت	شدت و امر عظیم
ارشاد الازهان الى تفسير القرآن	سبزواری، محمد	۱۴۰۹	شیعه	شدت و امر عظیم
الاساس في التفسير	حوی، سعید	۱۴۰۹	اهل سنت	شدت و امر عظیم
اطيب البيان في تفسير القرآن	طیب، عبدالحسین	۱۴۱۲	شیعه	شدت و امر عظیم، اصل و حقیقت، شهادت ساق انسان
انوار درخشان در تفسير قرآن	حسینی همدانی، محمد	۱۴۱۷	شیعه	شدت و امر عظیم
مناهج البيان في تفسير القرآن	ملکی میانجی، محمدباقر	۱۴۱۹	شیعه	شدت و امر عظیم
الموسوعة القرآنية، خصائص السور	شرف الدین، جعفر	۱۴۲۲	اهل سنت	شدت و امر عظیم
معارج التفكير و دقائق التدبر	میدانی، عبدالرحمن حسن	۱۴۲۵	اهل سنت	ساق
انوار العرفان في تفسير القرآن	داورپناه، ابوالفضل	۱۴۲۶	شیعه	شدت و امر عظیم
من وحی القرآن	فضل الله، محمد حسین	۱۴۳۱	شیعه	شدت و امر عظیم
التفسير الوسيط للقرآن الكريم	طنطاوی، محمد سید	۱۴۳۱	اهل سنت	شدت و امر عظیم
الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنة	صادقی تهرانی، محمد	۱۴۳۲	شیعه	شدت و امر عظیم
البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن	صادقی تهرانی، محمد	۱۴۳۲	شیعه	اصل و حقیقت
التفسير المنير في العقيدة	زحیلی، وهبه	۱۴۳۶	اهل سنت	شدت و امر عظیم، ساق
اعراب القرآن الكريم	شیخلی، بهجت عبدالواحد	۱۴۳۷	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر راهنما	هاشمی رفسنجانی، اکبر	۱۴۳۸	شیعه	شدت و امر عظیم
ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير	جزایری، ابوبکر جابر	۱۴۳۹	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر نور	خرم دل، مصطفی	۱۴۴۱	اهل سنت	شدت و امر عظیم
صفوة التفاسیر	صابونی، محمد علی	۱۴۴۲	اهل سنت	شدت و امر عظیم
تفسیر نمونه	مکارم شیرازی، ناصر	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم، نور الهی
من هدی القرآن	مدرسسی، محمدتقی	1446	شیعه	شدت و امر عظیم، ساق عرش، اصل و حقیقت
تفسیر احسن الحدیث	قرشی بنایی، علی اکبر	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر نور	قراتی، محسن	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر علین	سیدکریمی حسینی، عباس	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم
تفسیر قرآن مهر	رضایی اصفهانی، محمد علی	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم، اصل و حقیقت
التيسير في التفسير للقرآن برواية أهل البيت	زبیدی، ماجد ناصر	۱۴۴۶	شیعه	خلافت امام علی (ع)
الوجيز في تفسير الكتاب العزيز	دخیل، علی محمد علی	۱۴۴۶	شیعه	شدت و امر عظیم

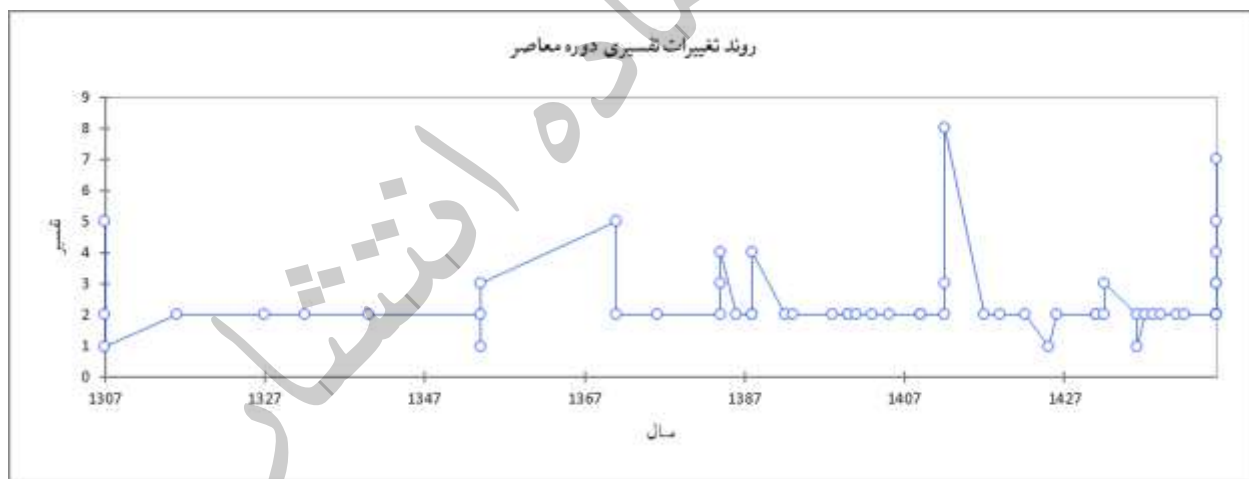
جدول (۴) فراوانی آرا بر حسب مذهب

قلم ۴۲		آیه
اهل سنت	شیعه	مذهب / آرا
۳	۰	ساق
۱۸	۲۵	شدت و امر عظیم
۱	۵	اصل و حقیقت
۰	۳	نور الهی
۱	۲	ساق العرش
۰	۰	اقبال آخرت
۰	۱	خلافت امام علی (ع)
۰	۱	شهادت ساق انسان

جدول (۳) فراوانی آرای مفسران

قلم ۴۲	آیه / آرا
۳	ساق
۴۳	شدت و امر عظیم
۶	اصل و حقیقت
۳	نور الهی
۳	ساق العرش
۰	اقبال آخرت
۱	خلافت امام علی (ع)
۱	شهادت ساق انسان

نمودار (۲) روند تغییرات تفسیری در دوره معاصر



کد گذاری آرا

- ساق = 1 شدت و امر عظیم = 2 اصل و حقیقت = 3 نور الهی = 4 ساق العرش = 5 اقبال و آمدن آخرت = 6
 خلافت امام علی (ع) = 7 شهادت ساق انسان = 8

تحلیل جدول (۳) نشان می‌دهد که در دوره معاصر نیز مانند دوره متقدم، تفسیر «شدت و امر عظیم» بیشترین فراوانی را در میان تفاسیر مربوط به واژه «ساق» دارد (۴۳ مورد). با این حال، برخلاف دوره متقدم که تنوع معنایی بسیار محدود بود، در دوره معاصر تنوع تفاسیر

افزایش یافته و مفاهیمی نو مانند «اصل و حقیقت» (۶ مورد)، «نور الهی» (۳ مورد)، و همچنین تفاسیر خاص‌تری چون «شهادت ساق انسان» (۱ مورد) نیز مشاهده می‌شود. این گسترش در دایره معنایی نشان‌دهنده تحول در رویکرد تفسیری، تأثیر علوم انسانی و الهیات مدرن و تلاش برای بازخوانی معانی متشابهات قرآنی است.

در جدول (۴) که تفاسیر را بر حسب مذهب در دوره معاصر تفکیک می‌کند، برتری عددی مفسران شیعه در اغلب معانی مشهود است. به‌طور خاص، تفسیر «شدت و امر عظیم» در میان مفسران شیعه (۲۵ مورد) نسبت به اهل سنت (۱۸ مورد) فراوانی بیشتری دارد. علاوه بر این، تفاسیر نوگرایانه‌تر مانند «اصل و حقیقت»، «نور الهی» و «ساق العرش» عمدتاً توسط مفسران شیعه ارائه شده‌اند. این تمایز نشان می‌دهد که در فضای تفسیری معاصر، مفسران شیعی گرایش بیشتری به تأویل‌های باطنی، فلسفی و عرفانی پیدا کرده‌اند، در حالی که اهل سنت همچنان به معانی شایع‌تر و سنتی‌تر بسنده کرده‌اند. در نمودار (۲) این روند به وضوح قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که تمرکز اصلی مفسران بر معنای «شدت و امر عظیم» جلب توجه می‌کند و سایر معانی به حاشیه رفته‌اند.

در مجموع، مقایسه این دو جدول و نمودار نشان می‌دهد که گرچه مفهوم «شدت و امر عظیم» هنوز تفسیر غالب باقی مانده، اما تحول چشم‌گیری در تنوع دیدگاه‌ها به‌ویژه در میان مفسران شیعی دیده می‌شود. علاوه بر آن، عدم وجود تفسیر «ساق» به معنای ظاهری در میان مفسران شیعه و حضور آن تنها در میان اهل سنت، تداوم همان خط‌مشی تفسیر تأویلی در مذهب شیعه را تأیید می‌کند. همچنین، حضور دیدگاه‌های خاص مانند «نور الهی» و «شهادت ساق انسان» نیز از نوآوری تفسیری و گسترش میدان معنا در عصر معاصر حکایت دارد.

۱۰. عوامل مؤثر بر تغییرات تفسیری دوره متقدم و معاصر

در دوره متقدم، مفسران قرآن را در مقام تبیین مراد خداوند در عقاید و احکام شرعی می‌دیدند و با اتکا به تحلیل‌های دقیق زبان‌شناختی، بلاغی، ادبی، فقهی و فلسفی، کوشیدند معانی و مرام‌های آیات را آشکار سازند؛ چنان‌که اهتمام آن‌ها به تحقیق و اجتهاد در تفسیر به حدی بود که پس از گذشت قرون، تا قبل از عصر جدید، اثری مبتکرانه در آثار متأخران دیده نمی‌شود و بیشتر کار آن‌ها مروری و جمع‌آوری آرا و نقد و ترجیح گفته‌های پیشینیان بود، امری که به رکود و عدم نوآوری در تفسیر انجامید (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۳؛ محتسب، ۱۴۰۲ق، ص ۲۴۵). این سکون تا افول تمدن اسلامی و گسترش جهل و تشویه مفاهیم دینی در پی حملات مغول و استیلای استعمار غربی ادامه یافت و در نتیجه، اسلام از زندگی اجتماعی جدا شد و به معنایی اروپایی صرفاً مجموعه‌ای از باورها و مراسم عبادی تقلیل یافت (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۴۶؛ محتسب، ۱۴۰۲ق، ص ۱۶).

با آغاز عصر بیداری علمی و اجتماعی در قرن سیزدهم هجری، عوامل متعددی زمینه‌ساز تحول تفسیر شدند: نخست تأثیر منفی استعمار که از طریق تصرف سرزمین‌های اسلامی و ترویج آموزه‌های سکولار به جدایی دین از زندگی دامن زد (محتسب، ۱۴۰۲ق، ص ۲۷-۲۸، ۳۵)؛ دوم رشد علوم جدید و دسترسی به ابزارهای فهم نوین که امکان تفسیر آیات بر اساس معیارهای علمی و فنون تحلیلی پیشرفته را فراهم ساخت (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۹؛ ماردینی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۴۴)؛ سوم تأثیر فرهنگ غربی و شتاب پیشرفت‌های علمی که مفسران را به تلفیق دیدگاه‌های دینی با مبانی عقلانی و علمی واداشت و موجب بروز گرایش‌هایی چون تفسیر عقلی توفیقی، علمی و ادبی-اجتماعی شد (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، صص ۴۰۱-۴۰۴؛ محتسب، ۱۴۰۲ق، صص ۱۰۳، ۳۸-۳۹). این تحولات در تفسیر معاصر تنها به تغییر در محتوا محدود نماند، بلکه به تنوع روش‌ها نیز انجامید و سبک‌هایی مانند تفسیر تحلیلی، اجمالی، مقارن و موضوعی با هدف پاسخگویی به نیازهای علمی و اجتماعی نسل‌های جدید پدیدار گشت (ماردینی، ۱۴۳۰ق، صص ۱۴۴-۱۴۶).

۱۱. تحلیل روند تطور تاریخی با استفاده از آزمون ناپارامتری Mann-Kendall

در این بخش، به منظور سنجش و تحلیل روند تغییرات تاریخی در نوع رویکردهای تفسیری نسبت به آیه «يُكْشَفُ عَن سَاقٍ»، از آزمون ناپارامتری Mann-Kendall بهره گرفته شده است. این آزمون، ابزاری آماری برای بررسی وجود یا عدم وجود روند معنادار در داده‌های سری زمانی یا ترتیبی است و به ویژه در پژوهش‌هایی که داده‌های آن‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند، کاربرد فراوانی دارد.

با توجه به ماهیت تاریخی داده‌های این پژوهش - که شامل آرای تفسیری مفسران در قرون مختلف است - آزمون Mann-Kendall امکان آن را فراهم می‌سازد که بررسی کنیم آیا روند گذار از تفسیرهای تثبیتی به تأویلی در طی زمان به صورت معنادار و جهت‌دار بوده است یا خیر. در واقع، این تحلیل به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا نوع تفسیر آیه مذکور، به صورت خطی و منظم، در گذر زمان تغییر کرده یا این تغییرات پراکنده و غیرجهت‌دار بوده‌اند.

نتیجه‌ی این آزمون، در صورت معناداری آماری، می‌تواند فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر روند تاریخی تحول از ظاهرگرایی به تأویل‌گرایی را به شیوه‌ای تجربی تأیید کند و به درک بهتر از سیر اندیشه تفسیری در تاریخ اسلام یاری رساند.

در تحلیل آماری مبتنی بر آزمون من-کندال، دو روش برای سنجش روند تاریخی رویکردهای تفسیری مورد استفاده قرار گرفت: نخست، تحلیل بر پایه توزیع داده‌ها بر اساس سال وفات مفسران و دوم، تحلیل بر اساس نسبت و فراوانی هر رویکرد در بازه‌ی زمانی مشخص. هدف از این دو رویکرد، افزایش دقت در سنجش تحولات نظری و کشف روندهای معنادار در گرایش‌های تفسیری طی قرون مختلف است.

جدول (۵) بر پایه توزیع داده‌ها بر اساس سال وفات مفسران

Kendall's tau: -0.041	Kendall's tau: 0.083
S: -23.000	S: 104.000
Var(S): 4507.667	Var(S): 16470.667
p-value: 0.743	p-value: 0.422
alpha: 0.05	alpha: 0.05

دوره متقدم

دوره معاصر

جدول (۶) نسبت و فراوانی هر رویکرد در بازه‌ی زمانی

Kendall's tau: -0.333	Kendall's tau: -0.333	Kendall's tau: 0.333	Kendall's tau: 0.333
S: -2.000	S: -2.000	S: 2.000	S: 2.000
Var(S): 8.667	Var(S): 8.667	Var(S): 8.667	Var(S): 8.667
p-value: 0.750	p-value: 0.750	p-value: 0.750	p-value: 0.750
alpha: 0.05	alpha: 0.05	alpha: 0.05	alpha: 0.05

رویکرد تثبیتی

رویکرد تأویلی معادمحور

رویکرد تأویلی باطنی

رویکرد تأویلی انسان‌محور

مقایسه آماری دو دوره‌ی متقدم و معاصر بر پایه آزمون ناپارامتری من-کندال نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از این دو بازه‌ی زمانی، روند تغییرات رویکردهای تفسیری از نظر آماری معنادار نبوده است؛ با این حال، تفاوت‌هایی در جهت و شدت این روندها دیده می‌شود که از منظر تحلیلی قابل تأمل است.

در دوره متقدم، مقدار Kendall's tau برابر با $0/041-$ به دست آمده است که ضریبی بسیار نزدیک به صفر و منفی است. این عدد نشان می‌دهد که تغییرات در نوع رویکردهای تفسیری در این دوره کاملاً ضعیف و فاقد جهت‌گیری مشخص است. همچنین مقدار p-value برابر با $0/743$ است که بسیار بیشتر از سطح معناداری $0/05$ بوده و به‌وضوح دلالت بر نبود روند معنادار آماری دارد. بنابراین می‌توان گفت در دوره متقدم، توزیع رویکردهای تفسیری حالتی ایستا، پراکنده و بدون جهت خاصی داشته است.

در مقابل، در دوره معاصر، مقدار Kendall's tau برابر با $0/083+$ است که هرچند همچنان ضعیف محسوب می‌شود، اما نسبت به دوره متقدم کمی مثبت‌تر و بزرگ‌تر است. این مقدار حاکی از یک تمایل خفیف به افزایش استفاده از رویکردهای نوتر و غیرتثبیتی مانند تاویلی باطنی یا انسان‌محور است. با این حال، مقدار p-value برابر با $0/422$ است که باز هم بیشتر از سطح معناداری بوده و نشان می‌دهد این افزایش نیز از نظر آماری قابل استناد نیست.

تحلیل آزمون من-کندال برای بررسی روند فراوانی رویکردهای تفسیری قرآن در دوره تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از رویکردهای مورد بررسی (تثبیتی، تاویلی معادمحور، تاویلی باطنی و تاویلی انسان‌محور) از نظر آماری دارای روند معنادار نیستند. اگرچه رویکردهای تثبیتی و معادمحور با ضریب منفی $0/333-$ نشانه‌هایی از کاهش احتمالی دارند، اما مقدار بالای p-value (برابر با $0/750$) نشان می‌دهد که این کاهش به‌صورت تصادفی بوده و معناداری آماری ندارد.

به‌همین ترتیب، در مورد رویکردهای باطنی و انسان‌محور نیز با وجود ضریب مثبت $0/333+$ که بیانگر افزایش ضعیف است، مقدار بالای p-value مانع از تأیید آماری این روند می‌شود. در نتیجه، با استناد به این داده‌ها نمی‌توان روندی قطعی و جهت‌دار برای هیچ‌یک از رویکردها در چهار دوره تاریخی اثبات کرد. برای تحلیل دقیق‌تر و قابل اعتماد، استفاده از درصد رویکردها نسبت به کل داده‌ها در هر دوره یا افزایش حجم نمونه‌ها توصیه می‌شود.

عدم معناداری آماری در آزمون Mann-Kendall ممکن است ناشی از عوامل متعددی باشد؛ از جمله:

۱. تنوع مفهومی و پراکندگی غیرخطی تفاسیر درون هر دوره که مانع از شکل‌گیری یک الگوی کمی منظم می‌شود؛
۲. بازگشت‌های دوره‌ای به گرایش‌های تثبیتی، نظیر احیای دیدگاه‌های سلفی‌گرایانه در عصر معاصر، که روند خطی تغییر را دچار اختلال می‌کند؛
۳. کم‌بودن داده‌های معتبر در برخی بازه‌های تاریخی، به‌ویژه در سده‌هایی که آثار تفسیری محدود یا دست‌نیافتنی بوده‌اند؛
۴. غلبه‌ی گفتمان‌های متغیر اجتماعی-کلامی بر جریان تفسیر قرآن، که بیشتر تابع اقتضائات زمینه‌ای و تاریخی‌اند تا روندهای آماری پیوسته.

نتیجه‌گیری

یافته‌های بررسی رویکردهای تفسیری در دوره‌های متقدم و معاصر نشان می‌دهد که گرایش‌های تفسیری، بنیاد شکل‌گیری و تنوع معانی «ساق» را رقم زده‌اند. در دوره متقدم، مفسران عمدتاً با اتکا بر روایات و تحلیل‌های ادبی به تفسیر تثبیتی پرداختند؛ اگرچه تأویلات عقلانی و کلامی مانند «شدت و امر عظیم» نیز حضور پررنگ داشتند. در مقابل، در دوره معاصر، فضای تفسیری گسترش یافته و علاوه بر استمرار برخی قرائت‌های سنتی، معانی نوینی مانند «اصل و حقیقت»، «نور الهی» و «شهادت ساق انسان» پدید آمده که محصول تأثیر تحولات اجتماعی، فلسفی و کلامی است.

تحلیل فراوانی واژگانی در هر دو دوره نشان می‌دهد «شدت و امر عظیم» بیشترین کاربرد را دارد، ولی معنا در دوره معاصر تنوع یافته و تفاسیر از لحاظ اجتماعی جهت‌گیری تازه‌ای یافته‌اند. همچنین مفسران شیعه در گرایش‌های باطنی و کلامی گسترش بیشتری نشان داده و مفسران اهل سنت وفادار به معانی سنتی باقی مانده‌اند.

عوامل تاریخی، اجتماعی و فکری، از دوره اجتهادی متقدم تا بحران‌های معرفتی معاصر، بر این تحول تأثیرگذار بوده‌اند. در دوره متقدم، تفسیر با تمرکز بر بلاغت و مفاهیم دینی صورت می‌گرفت و در دوره رکود، گرایش به تقلید تقویت شد. اما در دوره معاصر، متأثر از استعمار، نفوذ اندیشه‌های غربی و پیچیدگی مسائل جدید، مفسران از رویکردهای عقلی، علمی و موضوعی بهره برده و تلاش کردند مفاهیم و حیانی را با نیازهای روز تطبیق دهند.

نتایج آزمون *Mann-Kendall* وجود هیچ روند معناداری را در هیچ یک از دوره‌ها تأیید نکرد ($p\text{-value} = 0.059$) و این امر ممکن است بیانگر آن باشد که تغییرات تفسیری تابع روند کمی پیوسته نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل دیگری همچون نوسانات گفتمانی، بازگشت‌های دوره‌ای به دیدگاه‌های سنتی و همچنین حجم و گستره منابع شکل گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۵ق). تذکره الأریب فی تفسیر الغریب. دار الکتب العلمیه.

ابن حموش، مکی. (۱۴۲۹ق). الهدایة إلى بلوغ النهایة. جامعة الشارقة.

ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر. مؤسسة التاریخ العربی.

ابن عباس، عبدالله. (۱۴۱۳ق). غریب القرآن فی شعر العرب. مؤسسة الکتب الثقافیة.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. آستان قدس رضوی.

ابوذر قلمونی، عبد المنعم بن حسین. (۱۴۳۰ق). ماذا تعرف عن الله؟. مکتبه الصفا.

ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). تهذیب اللغة. دار احیاء التراث العربی.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح بخاری. دار طوق النجاة.

بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع. کتابخانه صدر.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). تفسیر بغوی. دار احیاء التراث العربی.

پاکتچی، احمد. (۱۳۸۹). تاریخ تفسیر قرآن کریم. انجمن علمی دانشجویی هیات دانشگاه امام صادق (ع).

تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۰۹ق). شرح المقاصد. شریف رضی.

جزایری، ابوبکر جابر. (۱۴۱۶ق). ایسر التفسیر لکلام العلی الکبیر. مکتبه العلوم و الحکم.

حائری طهرانی، علی. (۱۳۳۸). مقتنیات الدرر. دار الکتب الإسلامیه.

حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح. دار الجبل.

حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. لطفی.

دمیجی، خالد بن عبدالله. (۱۴۳۱ق). آیات العقیده التي قد یوهم ظاهرها التعارض. دار الفضیلة.

ذهبی، محمد حسین. (بی تا). التفسیر و المفسرون. مكتبة وهبة.

رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق). تفسیر المنار. دار المعرفة.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.

زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. دار الفکر.

زبیدی، ماجد ناصر. (۱۴۲۸ق). التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت. دار المحجة البيضاء.

زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج. دار الفکر.

زمنخشی، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجه التأویل. دار الكتاب العربی.

سبحانی، جعفر. (بی تا). اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه. دار احیاء التراث العربی.

سقاف، علوی بن عبدالقادر. (۱۴۲۶ق). صفات الله عز وجل الواردة فی الكتاب و السنة. دار الهجرة.

سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی. دار الفکر.

شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثني عشری. میقات.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۶ق). تلخیص البیان فی مجازات القرآن. دار الاضواء.

شمخنی، مینا. (۱۳۹۱). مکاتب ظاهر گرا در تفسیر قرآن. پژوهش های زبان شناختی قرآن، (۱۱)، ۹۵-۱۱۶.

شمس الدینی مطلق، کمیل؛ بداشتی، علی الله؛ و سلطانی، مصطفی. (۱۳۹۸). تحلیل لوازم و پیامدهای دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری. پژوهشنامه مذاهب اسلامی، (۱۲)، ۷۴-۵۶.

صابونی، محمد علی. (۱۴۲۱ق). صفة التفسیر. دار الفکر.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. مكتبة محمد الصادق الطهرانی.

صافی، محمود. (۱۴۱۸ق). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة. دار الرشید.

صديق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). فتح البیان فی مقاصد القرآن. دار الکتب العلمیة.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۱۱ق). تفسیر القرآن العزیز. دار المعرفة.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. دار المعرفة.

طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. نهضة مصر.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. دار احیاء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. اسلام.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. کتابفروشی صدوق.

فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). معانی القرآن. الهيئة المصرية العامة للكتاب.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق). القاموس المحيط. مؤسسة الرسالة.

قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل. دار الکتب العلمیة.

قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵ش). تفسیر احسن الحدیث. بنیاد بعثت.

قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۲۰۰۰م). لطائف الاشارات. الهيئة المصرية العامة للكتاب.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر قمی. دار الكتاب.

ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). تأویلات أهل السنة. دار الکتب العلمیة.

ماردینی، فاطمه. (۱۴۳۰ق). التفسیر و المفسرون. بیت الحکمة.

ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). النکت و العیون. دار الکتب العلمیة.

محتسب، عبدالمجید عبدالسلام. (۱۴۰۲ق). اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن. مكتبة النهضة الاسلامية.

محمدي شينخي، قباد؛ و فریدونپور، طیب. (۱۳۹۶). بررسی میزان کارآمدی مبانی حکمت متعالیه در تبیین صفات خبری مربوط به مبدا. اندیشه نوین دینی، (۴۸)، ۷۷-۹۲.

مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. دار محبی الحسین.

مصطفی، ابراهیم؛ زیات، احمد؛ عبدالباقر، حامد؛ نجار، محمد. (۱۴۱۰ق). المعجم الوسیط. دار الدعوة.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. موسسه فرهنگي التمهيد.



- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. دار الكتاب الإسلامی.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیة.
- میدنی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الأبرار. امیر کبیر.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حینکه. (۱۳۶۱). معارج التفکر و دقائق التدبیر. دار القلم.
- نوی، محمد. (۱۴۱۷ق). مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید. دار الکتب العلمیة.
- نہاوندی، محمد. (۱۳۸۶). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. موسسة البعثة.
- نیشابوری، مسلم. (بی تا). صحیح مسلم. دار احیاء التراث العربی.
- هواری، هودبن محکم. (۱۴۲۶ق). تفسیر کتاب الله العزیز. دار البصائر.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی. (۱۴۰۵ق). غریب القرآن و تفسیره. عالم الکتب.

مقالات آماده انتشار